

داستان جلد
COVERSTORY

دل آرام فتحی

معاون سیاست‌گذاری دفتر مشارکت‌های
مردمی سازمان فنی‌وحرفه‌ایفرصتی برای
گفتمان‌سازی مهارتی

برای هم‌خوانی آموزش‌های مهارتی با نیاز واقعی دنیای کار، فراهم آوردن فضایی برای گفتمان مهارتی و تعامل بین مولفه‌های اصلی ارزش‌گذار بر این حوزه، الزامی است. در یک نگاه اجمالی می‌توان این مولفه‌ها را سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه، مجریان و ارائه‌دهندگان و در نهایت مصرف‌کنندگان محصول خدمات آموزش‌های مهارتی دانست، بنابراین در شرایط خلأ بدون فضای گفت‌وگو و تعامل و صرفاً با نگارش چند هزار نسخه استاندارد آموزشی با وجود تمام تلاش و زحمات انجام‌شده، نمی‌توان مدعی شد که نیاز آموزش بازار کار به‌درستی تأمین شده است. خوشبختانه قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی که در آبان ماه سال ۹۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید و در خرداد ماه سال جاری با تشکیل اولین جلسه شورای عالی، استقرار آن به‌صورت رسمی در حوزه آموزش‌های مهارتی اعلام شد، به‌دنبال فراهم آوردن این فضای گفتمان و تعامل است. هفت‌وزار تخته‌ای که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری آموزش‌های مهارتی اثرگذار هستند در تعامل با سازمان‌ها و نهادهای مجری آموزش‌های مهارتی و مصرف‌کنندگان واقعی این خدمات که همان اتاق‌ها و اصناف هستند، قرار خواهند گرفت و این تعامل فعالیت‌های حوزه آموزش‌های مهارتی را به سمت ارزشی شدن سوق خواهد داد، ارزشی شدن بدین معنا که مهارتی آموزش‌شود که در دنیای واقعی کار، طالب و خواهان دارد. با استقرار نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی، تمام سیستم‌های فعال در حوزه آموزش‌های مهارتی که پیش از این به‌صورت جزیره‌ای فعالیت داشتند، وارد اکوسیستم مهارتی شده و در این اکوسیستم در تعامل با هم به فعالیت بپردازند. البته این انتظار وجود دارد که سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور به‌عنوان یکی از اعضای صاحب‌نظر و صاحب‌تجربه در این اکوسیستم با داشتن افتخار نزدیک به نیم‌قرن فعالیت در حوزه آموزش‌های مهارتی، با هوشمندی بتواند الگوهای برای سایر سیستم‌های فعال در این حوزه محسوب شود، در همین راستا، سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور پس از تصویب نظام جامع، در یک رفتار کاملاً خردمندانه و هوشمندانه برای انطباق با شرایط جدید در راستای تأمین اهداف نظام جامع و بر مبنای یک تفکر سیستمی و با دید استراتژیک به موضوع، اقدام به اصلاح دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه نحوه تشکیل و اداره آموزشگاه‌های آزاد کرد و با ارائه الگوی جدید برای تأسیس مراکز تخصصی، خدمات یادگیری مهارتی و آموزشگاه‌های فنی‌وحرفه‌ای سفارش‌محور، همچنین فراهم آوردن زمینه فعالیت تخصصی برای آموزشگاه‌های فنی‌وحرفه‌ای الکترونیکی با نام آموزشگاه‌ها توسط برندهای ملی، سعی دارد با تغییر سیاست‌های حاکم بر این حوزه، شیوه ارائه آموزش‌های مهارتی در بخش خصوصی را با نظر و سلیقه متقاضیان و مشتریان محصول این خدمات هم‌خوان و نزدیک کند.



مسعود شاه‌حسینی

روزنامه‌نگار

۸۲/۴ درصد
از افراد
شرکت‌کننده
در یک
پژوهش، هیچ
دوره آموزشی
کوته‌مدتی را
نگذرانده‌اند،
۳۲/۳ درصد
هیچ آشنایی
با نرم‌افزارهای
کامپیوتری و
۳۷/۶ درصد
هیچ آشنایی با
زبان انگلیسی
نداشته‌اند و
۱۷/۳ درصد
هم‌حداًندک
توانایی کار با
اینترنت را دارا
نبوده‌اند. جالب
اینکه نیمی از
پاسخ‌دهندگان
بر این باور
بودند که
شایستگی
لازم را برای
به‌دست آوردن
شغل مناسب
دارند

خط‌قرمز قابلیت‌های
شخصی

وضعیت بازار کار عموماً با شمار شاغلان و بیکاران، مشارکت اقتصادی و نسبت آن با کل جمعیت در سن کار تحلیل می‌شود. با این حال این شاخص‌ها صرفاً پسرده از بخشی از واقعیت موجود برمی‌دارد و تصویر کامل از بازار کار و تحرک مشارکت‌کنندگان در آن را پیش روی ما قرار نمی‌دهد. واقعیت این است که اشتغال در عصر جدید حول کلمه مهارت می‌چرخد و از مهم‌ترین مصالح تحلیل این حوزه به‌شمار می‌رود که تأثیر چشمگیر آن بر اقتصاد، انکارناپذیر است. با وجود این، این مفهوم و نسبت آن با اشتغال در ایران شکلی نامتعارف دارد. همچنان بخش زیادی از جمعیت در سن کار از رسیدن به شغل محرومند و دست‌کم یک‌سوم جمعیت در سن کار نیز به‌دلایل متعددی راهی به بازار کار ندارند و در سیاست‌گذاری‌ها نیز حرفی از آن‌ها زده نمی‌شود. جوانانی که به مهارت دسترسی ندارند، ناچار شده‌اند خط‌قرمزی بر قابلیت‌های شخصی خود برای دستیابی به شغل بکشند و از همین رو هم با از دایره مناسبات بازار کار بیرون رفته یا از کسب شغل ناامید شده یا از اساس تمایل به پیوستن به بازار را در خود سرکوب کرده‌اند. نکته‌ای که کارشناسان سال‌هاست از آن می‌نالند نیز همین است: بی‌مهارتی تحصیل‌کردگان دانشگاهی و آماج نقد قرار دادن نظام آموزش عالی کشور و کار کردهای آن. از آن سو هم اگر بخواهیم از تعبیر مقامات عالی‌برداشت واحدی داشته باشیم، ترجیع‌بند همگی، ارتقای سطح مهارت‌هاست.

ایده‌ای که انتظار می‌رود، توضیح دهد چگونه مشاغل به‌نظم و ثبات می‌رسند و ما را مستقیماً شاهد می‌گیرد که به‌محض اینکه بیشتر و بیشتر بر پایه تخصص بنیان نهاده می‌شوند، چطور با دوام می‌شوند و چطور می‌توان از آن برای درک بهتر مناسبات این عرصه بهره گرفت. با این حال آنچه نمی‌توان نسبت به آن تردید داشت، این گزاره است که با دخالت دادن متغیری به نام مهارت به نتایج پیچیده‌تری درباره بازار کار و مختصات آن برسیم. اینکه مشاغل

امروزی رابطه‌ای نزدیک‌تر با مهارت دارند.

ضعف دانش پایه اشتغال‌پذیری
تحصیل‌کردگان

اقتصاد در حال رشد ایران به کارجویان و شاغلان ماهر نیاز دارد، اما آمارها حقایق دیگری را نشان می‌دهد. بیایید آمارها را مرور کنیم تا ببینیم زنجیره مهارت‌افزایی میان متقاضیان کار چقدر ناقص است و چرا اکثر بیکاران افرادی هستند که مهارت کافی ندارند. یافته‌های پیمایشی که سال گذشته وزارت ورزش و جوانان درباره پایش شاخص دانش پایه از بُعد فردی اشتغال‌پذیری تحصیل‌کرده‌ها در پنج استان تهران، خراسان‌شمالی، لرستان، سیستان و بلوچستان و مازندران انجام داده، نشان می‌دهد، ۸۲/۴ درصد از نمونه‌های بررسی‌شده، هیچ دوره آموزشی کوتاه‌مدتی را نگذرانده‌اند، ۳۲/۳ درصد هیچ آشنایی با نرم‌افزارهای کامپیوتری و ۳۷/۶ درصد هیچ آشنایی با زبان انگلیسی نداشته‌اند و ۱۷/۳ درصد هم حتی اندک توانایی کار با اینترنت را دارا نبوده‌اند. جالب اینکه نیمی از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که شایستگی لازم را برای به‌دست آوردن شغل مناسب دارند. پژوهش‌های مرتبط دیگر نیز نشان می‌دهد، جوانان استان‌های کمتر توسعه‌یافته، به‌دلیل اینکه با موانع بیرونی بیشتری روبه‌رو هستند، به اجبار سطح اشتغال‌پذیری پایین‌تری نسبت به جوانان ساکن استان‌های توسعه‌یافته دارند، یعنی از میان عوامل فردی، محیطی، شخصی و بیرونی، اشتغال‌پذیری کارجویان تحصیل‌کرده همواره تابعی از شاخص بر خورداری مهارتی آن‌ها بوده است.

طبق گفته‌های مسئولان، هم‌اکنون ۴۰ درصد متقاضیان مهارت‌آموزی در مراکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای را دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان تشکیل می‌دهند و از آن سو نیز ۴۰ تا ۵۰ درصد افرادی که به‌قصد اشتغال وارد این مراکز می‌شوند، در راهیابی به بازار کار موفق‌ترند. بازاری که آغوش بازتری برای پذیرش افراد ماهر دارد، به‌ازای هر پنج نفر نیروی ماهر، یک نفر دانش‌آموخته فاقد مهارت را نیز جذب می‌کند. آن‌طور که سلیمان پاک‌سرسشت، رئیس سازمان

آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور اخیراً گفته، در برخی رشته‌ها ۹۰ درصد مهارت‌دیدگان شاغل می‌شوند و به‌طور متوسط ۴۲ درصد از کارجویان که برای مهارت‌آموزی مراجعه می‌کنند، بعد از یک دوره منطقی، موفق می‌شوند که کسب‌وکاری را راه‌اندازی کرده یا شاغل شوند. در حال حاضر استانداردهای مهارت‌آموزی در کشور به ۵۴۰۹ رقم رسیده و از آن طرف نیز قرائن حاکی از آن است که اقبال به فراگیری مهارت‌ها روز به روز در حال گسترش است. آن‌طور که محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داده، تعداد کارآموزان مراکز فنی‌وحرفه‌ای در سه‌ماهه نخست امسال، ۶۱ درصد رشد داشته و کریم یآوری، مدیر کل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری این وزارتخانه هم گفته، ۷۰ هزار نفر روز آموزش مهارتی به مقرری بیکران بیمه بیکاری عرضه شده است. از سویی نیز تعداد مراکز ارائه‌دهنده دوره‌های مهارتی به ۱/۵ میلیون رسیده و طرح‌هایی مانند «ایران مهارت» (مهارت‌آموزی آموزشی به دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه) نیز جایگاه خود را کامیاب پیدا کرده‌اند.

«ناهمسانی جهت‌گیری»
دانشگاه

این آمارها گذشته از اینکه گویای واقعیت کم‌مهارتی نیروهای متقاضی شغل و متغیر بودن فرم‌های بنیادین اشتغال است، اشاره‌ای تلویحی به غیرمنطبق بودن آموزش‌ها با نیاز بازار می‌کند. این نقدی جدی است که متوجه نظام آموزش پایه و عالی کشور است و به آسانی هم نمی‌توان آن را انکار کرد. صورت مسئله این است که بازار کار به افراد آچار به‌دست و ماهر و توانمند نیاز دارد، اما در عمل بنا به آمارهای رسمی، ۹۰ درصد کارجویان مهارت لازم برای ورود به جری شاغلان را ندارند. به زبانی گویاتر شاید بشود این‌طور گفت که نظام آموزشی با خوانشی متفاوت، مهارت و کارآفرینی را به افراد یاد نمی‌دهد. به همین دلیل هم با انبوهی از فارغ‌التحصیلان بیکار پشت درهای بازار کار روبه‌رو هستیم که مهارت کافی ندارند. آموزش غیرکارآمد، نامتناسب بودن رشته‌های تحصیلی با نیاز بازار کار،

نبود رابطه‌ای منطقی میان عرضه و تقاضای بازار کار، نه تنها تحصیل‌کردگان را برای یافتن شغل متناسب با تحصیلاتشان دچار مشکل می‌کند، که حتی کیفیت حضور نیروهای شاغل در بازار را هم به‌شدت تغییر می‌دهد. گویا اینکه براساس آخرین داده‌های مرکز آمار کشور، سهم بیکران تحصیل‌کرده دانشگاهی، بالا و در حد ۴۳ درصد است. چنین آماری ما را به واقعیتی به نام «ناهمسانی جهت‌گیری» میان دو آموزش عالی و بازار کار می‌رساند. حتی در پارهای اوقات، روابط این دو حوزه، تقابلی است. آینده کار و مشاغل و مهارت‌های بازار کار آینده به مدت تحولات فناورانه صورت‌بندی‌ها درباره رابطه مفاهیم مهارت، تحصیل و اشتغال را دگرگون کرده و تقریباً همه هم‌پذیرفته‌اند مشاغل آینده بیشتر مهارت‌محورند، مانند‌کاری افراد در مشاغل، نسبت به گذشته کمتر خواهد بود و کارجویان برای یافتن جایگاهی در بازار کار متأثر از تغییرات سریع فناورانه به مهارت‌های متنوعی نیازمند خواهند شد. این چارچوب نظری را می‌توان به نتایج مطالعه‌ای که دوسال پیش وزارت رفاه انجام داده، سنجید. بررسی‌های میدانی این وزارتخانه نشان می‌دهد طول مدت اشتغال در شغل اصلی ۵۴ درصد مجموع شاغلان، (۲۳ میلیون)، کمتر از ۱۰ سال است. همین‌تک‌گزاره‌روشن می‌کند که اولاً شاخص ماندگاری مشاغل در بازار کار ایران پایین است و از وجهی دیگر هم نیروهای کار باید در معرض آموزش‌های مهارتی قرار گیرند.

قانون جامع مهارت
و خلا گفتمانی

در تحلیل نهایی مشخص است که محیط نهادی و مقررات‌گذارانه فعلی، مساعد توسعه نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای نیست. این چالشی است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بازوی مهارت‌آموز آن، یعنی سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای می‌خواهند شدت آهنگ آن را کم کنند. وزارت کار در کنار جوان‌گرایی و شفافیت، محور سوم برنامه‌های خود را به افزایش مهارت نیروهای در شرف پیوستن به بازار کار در قالب نهضت مهارت‌افزایی قرار داده و در این راه، علاوه بر

اینکه فهم و آگاهی عمومی جایگاه و اعتبار مهارت‌آموزی در توسعه منابع انسانی و حیات بنگاه‌های اقتصادی را همراه خود دارد، قوانین و سازوکارهای حمایتی مرتبط را نیز در اختیار دارد. چالش‌های ایجاد شده در حوزه منابع و نیروی انسانی کشور مانند پایین بودن بهره‌وری، آماده‌نبودن تحصیل‌کرده‌ها برای ورود به بازار کار، امواج تحولات فناورانه و تأثیر عمیق آن بر مشاغل و بازار کار و مواردی از این دست منجر به درنگی عمیق‌تر در خصوص جایگاه و کارکرد توسعه آموزش عالی شده است. گذشته از این، امروزه سیاست‌های مهارت‌آموزی، مکمل برنامه‌های اشتغالی و توسعه‌ای هستند؛ تا آنجا که گفته می‌شود بی‌مهارتی نیروهای کار، شانس توفیق برنامه‌های توسعه‌ای را به‌طور محسوسی پایین می‌آورد. بر همین اساس بود که در پندهای (۱) و (۲) سیاست‌های کلی اشتغال، پندهای (۱) و (۵) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همین‌طور مواد متعددی از برنامه‌های پنجم و ششم توسعه کشور، از تهدیدهای کم‌مهارتی بحث و بر لزوم تدوین نظام جامع مهارتی تأکید شده است. ترجمان این اعتنای سیاست‌گذارانه را می‌توان در قانون ۱۱ ماده‌ای «نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی» یافت که بالاخره آبان ماه سال گذشته دستورالعمل اجرایی آن به تصویب رسید و از دل آن شورای عالی مهارت‌آموزی متولد شده که ۱۵ عضو دارد و معاون اول رئیس‌جمهور نیز ریاست آن را برعهده گرفته است. کار اصلی این شورا تقویت جایگاه آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی، کاستن از فاصله سطح شایستگی نیروی کار کشور با سطح استاندارد جهانی و توجه به آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و مهارتی و تربیت نیروی کار شایسته در سیاست‌گذاری‌های کلان برای رفع چالش بی‌مهارتی نیروهای کار و در یک کلام، ایجاد هماهنگی میان ذی‌نفعان و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای مهارت و شایستگی‌های مورد نیاز نیروی کار است. چیزی که محمد شریعتمداری از آن به ارتقای حکمرانی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و محلی برای گفت‌وگوهای بین عرضه‌کنندگان آموزش‌های مهارتی و تضمین اثربخشی آن یاد کرده است.